

یکی بود، یکی نبود

(مشمول بر شخصیات و شش داستان عارفانه - عالمانه)

تألیف: امیر ملکز

سرشناسه:	ملکی، امیر، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور:	یکی بود، یکی نبود (مشمول در شصت و شش داستان عارفانه - عالمانه) / نویسنده امیر ملکی
مشخصات نشر:	تهران: داستان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۲۴۸ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۲۹۷-۰۰۱-۵
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	داستان‌های کوتاه فارسی - مجموعه‌ها
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۴ ی ۸۷۵/م ۴۲۲۷ PIR
رده‌بندی دیوبی:	۸ فا ۳/۰۰۸
شماره کتابشناسی ملی:	۴۱۰۹۸۰۸



انتشارات داستان

میدان انقلاب، خ اردیبهشت، خ وحید نظری، پلاک ۱۴۶، تلف: ۶۶۹۵۴۸۰۰

نام کتاب: یکی بود، یکی نبود

تألیف: امیر ملکی

طراحی و صفحه‌آرایی: فرهاد حریری

چاپ اول: ۱۳۹۵ - شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه - چاپ: شریف

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۷-۰۰۱-۵ ISBN: 978-600-297-001-5

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

تلفن پخش: ۶۶۴۶۱۰۲۱

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	داستان اول: پادشاهی که از زنان متنفر بود
۲۱	داستان دوم: نامه خدا به همه انسان‌ها
۲۳	داستان سوم: داستان شیخ صنعان
۳۱	داستان چهارم: پیامبر و مرد شکم‌باره
۳۵	داستان پنجم: حاکم و مردِ یاغی
۳۸	داستان ششم: بهشتِ فروشی
۴۰	داستان هفتم: چگونه ثروتمند زندگی کنیم؟
۴۳	داستان هشتم: موسی و مرد قصاب
۴۷	داستان نهم: مسلمانانی
۴۹	داستان دهم: شیخ بهایی و شاه عباس
۵۴	داستان یازدهم: مرد خردمند و مرد مار خورده
۵۷	داستان دوازدهم: معجزه

- داستان سیزدهم: باقالی یلو با ماهیچه ۶۱
- داستان چهاردهم: مسیر مسجد و شیطان ۶۴
- داستان پانزدهم: گفتمان بنده با خدا ۶۷
- داستان شانزدهم: خدایا چرا من؟ ۷۱
- داستان هفدهم: اسلام فروشی ۷۴
- داستان هجدهم: زن باحیا ۷۶
- داستان نوزدهم: پادشاه یهود و مسیحیان ۸۱
- داستان بیست و یکم: سرشیر تمند و دختر زیبا ۸۹
- داستان بیست و یکم: یک مستحق بودن ۹۲
- داستان بیست و دوم: دلاوری و عشق پسر جوان ۹۴
- داستان بیست و سوم: زنجیرهای عشق ۹۷
- داستان بیست و چهارم: اختلاس سه میلیاردی ۱۰۱
- داستان بیست و پنجم: پادشاه و کنیزک زیبا ۱۰۵
- داستان بیست و ششم: دیدار یار ۱۱۲
- داستان بیست و هفتم: لحظه غفلت ۱۱۴
- داستان بیست و هشتم: عابد و ابلیس ۱۱۷
- داستان بیست و نهم: بهلول و ابوحنیفه ۱۲۲
- داستان سی و یکم: آیا شیطان وجود دارد؟ ۱۲۴
- داستان سی و یکم: پیرزن و مرد جوان ۱۲۸
- داستان سی و دوم: پیر چنگی و خدا ۱۳۰
- داستان سی و سوم: ببخشید شما پولدارید؟ ۱۳۵
- داستان سی و چهارم: نماز با عشق ۱۳۹

- داستان سی و پنجم: شنبه پسر هارون الرشید ۱۴۲
- داستان سی و هشتم: جدایت ۱۴۵
- داستان سی و هفتم: بانوی حصار ۱۴۸
- داستان سی و هشتم: اولین نماز ۱۵۵
- داستان سی و نهم: شیخ و کودک حلوا فروش ۱۶۰
- داستان چهل و یازدهم: یثار ۱۶۴
- داستان چهل و یکم: پدر و پاداش معلم ۱۶۷
- داستان چهل و دوم: لطف و عذاب خداوند ۱۷۰
- داستان چهل و سوم: عشق رافعی ۱۷۳
- داستان چهل و چهارم: خورندگان بچشیر ۱۷۶
- داستان چهل و پنجم: محتسب و مستحق ۱۸۰
- داستان چهل و هشتم: مهمان و زن صاحب خانه ۱۸۲
- داستان چهل و هفتم: ذوالنون ۱۸۵
- داستان چهل و هشتم: خدا رهایت نمی کند ۱۸۸
- داستان چهل و نهم: پرستار مهربان ۱۹۲
- داستان پنجاهم: بهترین دین ۱۹۷
- داستان پنجاه و یکم: عصبانی بودن و فریاد زدن ۲۰۱
- داستان پنجاه و دوم: معجزه قرآن و فرعون ۲۰۲
- داستان پنجاه و سوم: پیرمرد و سالک ۲۰۶
- داستان پنجاه و چهارم: درویش یک دست ۲۱۱
- داستان پنجاه و پنجم: شانس ۲۱۴
- داستان پنجاه و هشتم: بهشت و جهنم ۲۱۶

- داستان پنجاه و هفتم: عزرائیل و مرد فراری از مرگ ۲۱۹
- داستان پنجاه و هشتم: شاه و غلام بلند طبع ۲۲۲
- داستان پنجاه و نهم: توبه‌ی نصوح ۲۲۶
- داستان شصتم: پسرک نوازنده ۲۳۰
- داستان شصت و یکم: راهی برای ابراز عشق ۲۳۶
- داستان شصت و دوم: خانه‌ی خدا ۲۳۸
- داستان شصت و سوم: درویش و کریم‌خان زند ۲۳۹
- داستان شصت و چهارم: پیامبر و مرد نابینا و سوره‌عیس ۲۴۰
- داستان شصت و پنجم: بلبل و مرد مجرد ۲۴۳
- داستان شصت و ششم: حضرت موسی و پیغام دیوانه ۲۴۶

کار من عشق و بار من عشق است
 حاصل روزگار من عشق است
 گر مددگار من شود توفیق
 که کنم درس عشق را تحقیق
 بهر آن دفتری ز نو سازم
 داستانی دگر پردازم
 (جامی)

پیشگفتار

ستایش خداوند پاک و منزّه که از طاعت بند انسان بی نیاز است و برای حضور آنها در جایگاه عشق چشم در راه، خداوندی که به لطف و احسان، بنده اش را مورد بخشش قرار می دهد تا بنده حضور در پیشگاه او را از دست نهد، خداوندی که لحظه ای در جایگاه معشوقی برای بنده اش قرار می گیرد تا بنده اشک فراق در پیشگاهش جاری کند و لحظه ای دیگر در جایگاه عاشقی تا برای بنده ای بی قرار کشش ایجاد کند، به نام خداوندی که هم عاشقی از اوست و هم معشوقی...

از طریق حکایت ها و داستان هاست که اولین تجربه های بزرگمانی در اختیار کودکان قرار می گیرد، هرچند کودک بزرگ می شود ولی داستان های زندگی تمام نمی شود، داستان ها نیز مانند کودکان بزرگ می شوند و با بزرگی کودکان تجربه های تازه بیشتری در اختیار آنها قرار می دهند.

منال کودک و پیری که همراهند در ظاهر ولیک این روزافزون است و آن هر لحظه در نقصان (مولانا)

این کتاب بر اساس کودک درون افراد نوشته شده است، آنجا که فطرت انسانی هنوز با بارگاه حضرت حق تعالی به صورت مستقیم ارتباط دارد و پاکی روح این

کودک باعث شده است مردمان با همه‌ی روزمرگی‌های زندگی، باز با چشمان اشک‌آلود به حضورش بشتابند و با خواهشی بی‌پایان از او بخواهند که مانند کودکی که توان محافظت از خود را ندارد مورد نوازش قرار گیرند. تمام این داستان‌ها، کودک پاک درون انسان‌ها را نشانه گرفته است تا با قصه‌گویی برای آن به انسان‌ها بفهماند که آنچه به‌عنوان لذت و شادی نام برده می‌شود از همان کودک درون شما سرچشمه گرفته است؛ بنابراین نباید از آن غافل ماند که غفلت از او جزء دوری از خوبی‌ها و زیبایی‌ها حاصلی ندارد.

رای لعبت ساقی بگو ای کودک مطرب که صوفی در سماع آمد دوتایی کرد یکتایی
(سعدی)

مانند همه کودکان دنیا، کودک درون نیز نیاز به شنیدن قصه دارد، قصه‌هایی از جنس نور و عشق، ایثار و مهربانی، از دنیای زیبایی‌ها و خوبی‌ها و... این کودک نیز برای داشتن آرامش نیاز به تربیت دارد که اگر او آرامش داشته باشد مطمئناً شخص هم آرامش خواهد داشت؛ همین علت این حکایت‌ها برای آرامش و پرورش کودک درون تهیه شده است تا آرامش این کودک زیباروی درون، شما به آرامش برسد.

ز لوح روی کودک بر توان خواند که بد یا نیک باشد در بزرگی
سرشت نیک و بد پنهان نماند تران دانست ریحان از دو برگی
(سعدی)

داستان‌های این کتاب از داستان‌های کهن که در کتب قدیمی این مرزوبوم به‌صورت نظم و نثر موجود بوده و همچنین داستان‌هایی از زمان حال که در آن اندرزاها و تلنگرها برای انسان وجود دارد تشکیل شده است. در این مجموعه سعی شده است که منبع هر داستان مشخص باشد و داستان به شکلی ساده بیان شود. هرچند این داستان‌ها جهت گوشزد کردن بعضی از موارد کم‌رنگ شده در زندگی آدم‌ها روایت شده‌اند و به‌عنوان ابزاری جهت یادآوری همان موارد مورد استفاده قرار گرفته است ولیکن قابل ذکر است اگر داستانی منبع آن مشخص نیست به خاطر آن است که با توجه به جستجوهای انجام شده متأسفانه منبع داستان یافت نشده است. لازم به توضیح است در داستان‌هایی که از مثنوی معنوی حضرت مولانا نقل شده است از کتاب شرح جامع مثنوی معنوی نوشته

استاد کریم زمانی، مولوی شناس معاصر ایرانی بسیار بهره گرفته شده است که انشاءالله خداوند به این استاد گرامی توفیق روزافزون عنایت بفرماید.

در انتهای داستان‌ها توضیحاتی در جهت همراهی خواننده داده شده است تا بتواند از شهد شیرین این حکایت‌ها جرعه‌ای بیشتر نوش کند، هرچند قلم این حقیر در این خصوص بسیار ناتوان بوده است اما امیدوارم مفید واقع شود.

بر خود واجب می‌دانم از دوست عزیز و فرهیخته گرامی سرکار خانم نازنین جمشیدیان بسیار تشکر کنم که با پیگیری‌های خود موجبات تهیه این کتاب را فراهم کردند و مطمئنم اگر حضور و دلسوزی خواهرانه ایشان در این مسیر در کنار این بنده حقیر نبود این کتاب هرگز به سرانجام نمی‌رسید.

همچنین از مدیر محترم انتشارات دستان، جناب آقای تارانتاش که با رهنمودهای خویش بر غنای این اثر افزودند و کمال قدردانی را دارم و از خداوند منان برای ایشان سلامتی و عمر با عزت خواهم کردم.

در پایان مراتب سپاس و تشکر را به نشر را با جناب آقای اکبری، مدیر محترم انتشارات علوم و فنون که مرا در به سرانجام رسیدن این کتاب یاری رساندند تقدیم می‌کنم.

امیر ملکی

تیرماه سال ۱۳۹۴ ه.ش

در خانه سال ۱۴۳۶ ه.ق

Amir_maleki@yahoo.com